

تاریخ پنهان آیه چهل — شماره بیست و هفت

حزقی ایل نمبر آٹھ

Jeff Pippenger

2026-08-17

در کتاب حزقیال سیزده اشاره به تاریخ‌ها وجود دارد؛ شش مورد مربوط به اورشلیم است، شش مورد مربوط به مصر، و یک مورد مربوط به صور. همه این اشارات در چارچوب عصیان قرار دارند، که عدد «سیزده» نماد آن است. در سال پس از آن که همسر حزقیال بر اثر سکتہ درگذشت و آغاز سومین محاصره را رقم زد، به حزقیال فرمان داده شد که بر ضد مصر سخن گوید و اعلام کند که آن سرزمین به مدت چهل سال ویران خواهد بود.

و من زمین مصر را در میان سرزمین‌های ویران، و شهرهایش را در میان شهرهای خراب‌شده، تا چهل سال ویران خواهم ساخت؛ و مصریان را در میان امت‌ها پراکنده، و در میان ممالک متفرق خواهم نمود. لیکن خداوند یهوه چنین می‌فرماید: در پایان چهل سال، مصریان را از میان قوم‌هایی که در آن‌ها پراکنده شده‌اند، جمع خواهم کرد؛ و اسیری مصر را بازخواهم گردانید، و ایشان را به سرزمین فتروس، به سرزمین مسکن ایشان، بازخواهم آورد؛ و ایشان در آنجا مملکتی پست خواهند بود. حزقیال ۱۲:۲۹-۱۴.

محاصره در سال 588 ق.م. آغاز شد، و یک سال بعد، در 587 ق.م. به حزقیال فرمان داده شد که سخن بگوید. در آیه «هفده»، سال 571 ق.م. مشخص می‌سازد که مصر در برابر خدمات انجام‌شده به بابل داده خواهد شد. گاه‌شماران کتاب مقدس، 567 ق.م. تا 527 ق.م. را به عنوان دوره چهل‌ساله‌ای که در آیات مشخص شده است پیشنهاد می‌کنند، و از پیام آغازین داوری که در 587 ق.م. اعلام شد تا اعلام آیه هفده در 571 ق.م. مبنی بر اینکه خداوند مصر را به دست نبوکدنصر سپرده بود، ما یک دوره «هفده‌ساله» می‌یابیم.

لشکر نبوکدنصر نبردی طولانی و دشوار را بر ضد صور به انجام رساند (محاصره حدود ۱۳ سال، تقریباً از ۵۸۶ تا ۵۷۳ ق.م. به درازا کشید). سپاهیان به‌غایت سخت کار کردند (هر سر کچل شد و هر شانه از حمل بار ساییده و برهنه گردید)، با این همه، از خود صور هیچ مزد یا غنیمت قابل‌توجهی به ایشان نرسید. از این‌رو، خدا مصر را به نبوکدنصر خواهد داد تا در عوض کاری که لشکر او بر ضد صور انجام داد، جبران و «مزد» آنان باشد.

اور اسی گھر میں ٹھہرے رہو، اور جو کچھ وہ دیں، کھاتے پیتے رہو؛ کیونکہ مزدور اپنی مزدوری کا مستحق ہے۔ گھر گھر نہ پھرو۔ لوقا 10:7۔

لہذا نبوکدنصر نے پہلے صور کو لیا، اور تیرہ سالہ محاصرے کے بعد اسے مصر عطا کیا گیا۔ صور کو لینے سے پہلے اُس نے 586 قبل مسیح میں یروشلم کو لیا، پھر اُس نے صور کے خلاف تیرہ برس کا محاصرہ مکمل کیا، اور اُس کے بعد مصر کو۔ یروشلم 586 قبل مسیح میں لیا گیا، اور صور کا محاصرہ 586 قبل مسیح میں شروع ہوا اور 573 قبل مسیح تک جاری رہا۔ عدد تیرہ کا تعلق ریاستہائے متحدہ امریکہ سے ہے۔

خواہر وایت به ما آگاہ می‌سازد که اورشلیم در کتاب حزقیال، نمایانگر کلیسای لاودیکیه‌ای ادونت‌یست‌های روز هفتم است، و نبوکدنصر، پادشاه شمال، نمایانگر قدرت پاپی در ایام آخر می‌باشد. در تصویر تاریخی فصل بیست و نهم، دزدان قوم تو در ایام آخر که نمایانگر روم پاپی هستند، در آن فصل سه موجودیت را مغلوب می‌سازند. نخست اورشلیم را تصرف می‌کند، سپس صور را، و

سرانجام مصر را.

داوری از خانہ خدا آغاز می شود و شاخ پروتستانٹیسم در ایالات متحدہ نخست، پیش از قانون یکشنبہ، مغلوب می گردد. شاخ پروتستانٹیسم مرتد در ایالات متحدہ شامل کلیسای ادونتیسٹ روز ہفتم لائودیکہ است کہ نمایانگر قوم عہد «پیشین» است؛ همانانی کہ از ایشان عبور می شود، چنان کہ از اسرائیل باستان در سال ۳۴ و از پروتستانٹاں ہا در ۱۸۴۴ عبور شد. این عبور کردن از آن اقوام پیشین عہد خدا در ۳۴ و ۱۸۴۴، ہر دو، در تاریخ نبوی پیشگوئی دو ہزار و سیصد سالہ دانیال ۸:۱۴ بہ تصویر کشیدہ شدہ اند. داوری از خانہ خدا آغاز می شود و شاخ پروتستانٹیسم پیش از شاخ جمہوری خواہی داوری می گردد.

زیرا وقت آن رسیدہ است کہ داوری از خانہ خدا آغاز شود؛ و اگر نخست از ما آغاز گردد، فرجام کسانی کہ از انجیل خدا اطاعت نمی کنند چہ خواہد بود؟ ۱ پطرس ۴:۱۷

اولین اشارہ بہ داوری مصر در آیہ نخست باب بیست و نہم آمدہ است، و آخرین تاریخی کہ حزقیال در ارتباط با مصر ذکر می کند در آیہ «ہفدہم» همان باب است. این باب نشان می دہد کہ روم معاصر نخست بر شاخ پروتستانٹیسم غلبہ می کند و سپس بر صور، کہ نمایانگر شاخ جمہوری خواہی است و در قانون یکشنبہ ای قریب الوقوع مغلوب می شود. ہنگامی کہ صور (ایالات متحدہ) بہ وسیلہ نبوکدنصر در قانون یکشنبہ ای مغلوب می گردد، مصر نیز بہ دست او سپردہ می شود. در آن ہنگام، زخم مہلک پاپیت شفا می یابد. حزقیال بہ ما آگاہ می سازد کہ نہ تنها زخم مہلک پاپیت در آن زمان شفا می یابد، بلکہ این امر در خلال دورہ باران آخر نیز واقع می شود.

در آن روز شاخ خاندان اسرائیل را خواہم رویانید، و بہ تو گشایش دہان در میان ایشان خواہم بخشیید؛ و خواہند دانست کہ من یہوہ ہستم. حزقیال 29:21.

يعقوب و اسرائيل

اشعیا بیان می کند کہ اسرائیل جوانہ می زند، شکوفہ می آورد و تمام زمین را از میوہ پر می سازد. این باران است کہ سہ مرحلہ جوانہ زدن، شکوفہ آوردن و میوہ آوردن را پدید می آورد، و بنا بر گفتہ اشعیا، باران آخر ہنگامی می رسد کہ «باد تند» بازداشتہ شود. او ہمچنین تصریح می کند کہ در دوران جوانہ زدن، شکوفہ آوردن و میوہ آوردن، گناہان یعقوب باید پاک گردد، و واژہ عبری کہ بہ «پاک گردد» ترجمہ شدہ، بہ معنای کفارہ شدن است.

در اندازہ، چون آن رویانندہ شود، تو با آن مخاصمہ خواہی کرد؛ او باد تند خود را در روز باد شرقی باز می دارد. پس بدین سبب، گناہ یعقوب کفارہ خواہد شد؛ و تمامی ثمر این است کہ گناہ او برداشتہ شود؛ آنگاہ کہ او ہمہ سنگ های مذبح را چون سنگ های گچ کہ خرد و درہم کوبیدہ شدہ اند بسازد؛ بیشہ ہا و تمثال ہا برپا نخواہند ماند. اشعیا 27:8، 9

جب نزاع کی چار ہوائیں (اُس کی تند ہوا) روک دی جاتی ہیں، تو ایک لاکھ چوالیس ہزار کی مہر بندی شروع ہوتی ہے، اور ایڈونٹ ازم کے دانا اور شریر بالآخر ایک دوسرے سے جدا کر دیے جاتے ہیں، اور یہ سب کچھ "مشرقی ہوا کے دن" میں انجام پاتا ہے۔ مہر بندی کا وقت 9/11 پر ایک چھڑکاؤ کے ساتھ شروع ہوا، اور یہ اتوار کے قانون کے وقت ایک کامل انڈیلنے پر ختم ہوتا ہے، جب پھر زمین پھل سے بھر جاتی ہے۔ مہر بندی کا زمانہ ملاکی تین کے مطابق ایک تدریجی تطہیر اور پاک سازی ہے۔ لیکن حزقی ایل انتیس کی ابتدائی اور اختتامی تاریخوں سے ممثل سترہ سالہ مدت میں، بائبل کی نبوت کے چھٹے مملکت کی فتح واقع ہوتی ہے، جیسا کہ یروشلم سے ظاہر کیا گیا ہے، جو پروٹسٹنٹ ازم کے سینگ—کلیسیا—کی علامت ہے، اور صور، جو سینگ یا ریپبلکن ازم—ریاست—کی علامت ہے۔ صور کے تیرہ سالہ محاصرہ کے اختتام کے فوراً بعد، دس بادشاہوں کی ساتویں مملکت کی فتح، جو مصر سے ممثل ہے، وقوع میں آتی ہے۔

یروشلم، صور اور مصر کی یہ تینوں فتوحات اُس وقت واقع ہوتی ہیں جب "اسرائیل کے گھرانے کا سینگ" شکوفہ نکالتا ہے، اور اسے منہ کھولنے کی قدرت دی جاتی ہے۔

ہم کاہن حزقیال و ہم کاہن زکریا، لالی شان در زمان قانون یکشنبہ پایاں می یابد، آنگاہ کہ ایالات متحدہ و نیز الاغ بلعام ہر دو سخن می گویند. خداوند در زمان قانون یکشنبہ بہ خاندان اسرائیل «گشایش دہان» می بخشد. در آن ہنگام گناہان یعقوب تطہیر شدہ است و نام او بہ خاندان اسرائیل تغییر می یابد. پیامی کہ ایشان اعلام می کنند، بہ وسیلہ سومین شاہد لالی نبوی کہ بہ وسیلہ دانیال نمایانہ شدہ است، بازنمایی می شود؛ کسی کہ آنگاہ پیام باب یازدہم دانیال را دریافت می کند، کہ همان رؤیای حقوق نیز ہست کہ در آن زمان «سخن می گوید و دروغ نمی گوید.» حزقیال، زکریا و دانیال با اعلام فریاد بلند فرشتہ سوم ہمسو ہستند، همان گونہ کہ ارمیا نیز در باب پانزدہم، جایی کہ بہ او وعدہ دادہ می شود اگر از نخستین نومیدی بازگردد، دہان خدا خواہد بود.

چرا درد من جاودانہ است، و زخم من علاج ناپذیر، کہ از شفا یافتن سر باز می زند؟ آیا تو برای من یکسرہ چون دروغی خواہی بود، و مانند آب ہایی کہ فرو می مانند؟ پس خداوند چنین می فرماید: اگر بازگشت کنی، آنگاہ تو را باز خواہم آورد، و در حضور من خواہی ایستاد؛ و اگر گران بہا را از پست جدا سازی، همچون دہان من خواہی بود؛ ایشان بہ سوی تو بازگردند، اما تو بہ سوی ایشان باز مگرد. ارمیا ۱۸:۱۵، ۱۹

નીકળી ફૂટી કળીઓ છાંટકાવથી સમયે 9/11 અને, છે દર્શાવે દૃષ્ટાંતરૂપે દ્વારા શરૂઆત અંતને ચેશુ ત્યારે, આવશે કરવામાં શુદ્ધ અપરાધ યાકૂબનું જ્યારે, અંતે અને; લાગ્યો વધવા છોડ યાકૂબનો અને સમયના સીવગિના તે, હતી થઈ સદિધ દ્વારા વરસાદ ફૂટવી કળી જે સમયે. 9/11 બોલશે ઘર ઇઝરાયેલનું જ એ, છે ફૂટે કળી ને"શગિ" ધરના ઇઝરાયેલના જ્યારે, છે પ્રતીકરૂપ ઘટનાનું ફૂટવાની કળી થનારી અંતે પરાજતિ દ્વારા નેબૂકદનેઝર શગિને રપિબલ્કિનવાદના અને પ્રોટેસ્ટન્ટવાદ વમ્બિબ જ્યાં સ્થળે છે આવે કરવામાં.

در آن ہنگام، تمایز میان شاخ کاذب پروتستانتیسم با شاخ حقیقی پروتستانتیسم در تقابل قرار می گیرد؛ چنان کہ عصای ہارون کہ شکوفہ آورد، از دیگر عصاہای اسباط اسرائیل ممتاز و متمایز بود. دو تاریخ مذکور در فصل بیست و نہم حزقیال، تاریخ برافراشتہ شدن عَلم صد و چہل و چہار ہزار تن را در ہنگام قانون یکشنبہ ای کہ بہ زودی خواہد آمد، مشخص می سازند.

روند جوانہ زدن، شکوفہ کردن و زمین را از میوہ پر ساختن، با پاشیدہ شدن باران آخر در 9/11 آغاز شد؛ همان گونہ کہ فصل پنتیکاست با آن آغاز گردید کہ مسیح چند قطرہ بر شاگردان خود دمید، کہ بہ پنتیکاست انجامید، ہنگامی کہ افاضہ کامل واقع شد. جوانہ زدن 9/11 در آغاز پالایش یعقوب (غاصب حق نخست زادگی)، کہ همان زمان مہرگذاری است، بہ صورت نمادین دلالت داشت بر جوانہ زدن خاندان اسرائیل (غالب) در قانون یکشنبہ. جوانہ زدن در پایان، در حال مشخص ساختن تمایزی میان قوم عہد پیشین و یکصد و چہل و چہار ہزار است؛ همان گونہ کہ افاضہ آتش بر کوہ کرمَل تمایزی میان نبی، ایلیا، و انبیای بعل پدید آورد. این تمایز بہ وسیلہ گروہی نمایان می شود کہ از لحاظ نبوی، برای پیام جعلی «سلامتی و امان» سرافکنندہ اند؛ و گروہ دیگر از لحاظ نبوی شادمان اند، و ہرگز سرافکنندہ نخواہند شد.

شیش تمارونہ مصر

حزقی ئیل چہار تاریخ دیگر را کہ با مصر مرتبطانند مشخص می کند، و دو تاریخ از آن ہا سال یازدہم را نشان می دہند، و دو تاریخ دیگر سال دوازدہم اسارت را مشخص می سازند.

محاصره سال یازدهم

و در سال یازدهم، در ماه نخست، در روز هفتم ماه، واقع شد که کلام خداوند بر من نازل شده، گفت: «ای پسر انسان، بازوی فرعون، پادشاه مصر، را شکسته‌ام؛ و اینک، آن برای شفا بسته نخواهد شد، تا بر آن باندی نهند و آن را ببندند، تا نیرو یابد که شمشیر را به دست گیرد.» حزقیال ۲۱، ۳۰:۲۰

و در سال یازدهم، در ماه سوم، در روز نخست ماه واقع شد که کلام خداوند بر من نازل گردید و گفت: ای پسر انسان، به فرعون، پادشاه مصر، و به انبوه قومش بگو: در عظمت خویش به چه کسی مانند هستی؟ حزقیال ۳۱:۱، ۲.

در سال یازدهم اسارت، در فصل سی‌ام، بازوان مصر و فرعون شکسته می‌شود و بازوان بابل تقویت می‌گردد. در سال یازدهم، در فصل سی‌ویکم، سقوط مصر و تأثیر آن بر جهان مشخص می‌شود.

سال دوازدهم و سقوط اورشلیم

تاریخ دوازدهم سال کی به دو تاریخ حزقی ایل بتیس میں مذکور ہیں۔

و در سال دوازدهم، در ماه دوازدهم، در روز نخست ماه، چنین واقع شد که کلام خداوند بر من نازل شد و گفت: «ای پسر انسان، مرثیه‌ای برای فرعون، پادشاه مصر، بردار و به او بگو: تو مانند شیر جوان امت‌ها هستی، و همچون نهنگی در دریاها؛ و با نه‌های خود به پیش آمدی، و آب‌ها را با پاهای خویش به تلاطم افکندی، و نه‌های ایشان را گل‌آلود ساختی. خداوند یهوه چنین می‌فرماید: پس من نیز دام خود را با جماعتی از قوم بسیار بر تو خواهم گسترد، و ایشان تو را در دام من برخواهند آورد.» حزقیال ۳۲:۱-۳

و نیز در سال دوازدهم، در روز پانزدهم ماه، واقع شد که کلام خداوند بر من نازل شده، گفت: «ای پسر انسان، بر جماعت مصر نوحه‌سرایی کن، و ایشان را، یعنی او را و دختران امت‌های نامدار را، به ژرف‌ترین قسمت‌های زمین فرو افکن، همراه با آنان که به هاویه فرود می‌روند.» حزقیال ۳۲:۱۷، ۱۸

فرعون و جماعت او

در اعلام باب سی‌ویکم بر ضد مصر، آیات پایانی چنین بیان می‌دارند:

من امت‌ها را از صدای سقوط او به لرزه درآوردم، آنگاه که او را با آنان که به هاویه فرود می‌روند، به جهنم فرو افکنم؛ و همه درختان عدن، برگزیده و بهترین لبنان، همه آنان که آب می‌نوشند، در ژرفای زمین تسلی خواهند یافت. ایشان نیز با او به جهنم، نزد آنان که به شمشیر کشته شده‌اند، فرود رفتند؛ و آنان که بازوی او بودند، که در میان امت‌ها زیر سایه‌اش ساکن بودند. پس تو در جلال و عظمت، در میان درختان عدن، به که چنین مانند هستی؟ با این همه، تو نیز با درختان عدن به ژرفای زمین فرو آورده خواهی شد؛ و در میان نامختونان، با آنان که به شمشیر کشته شده‌اند، خواهی خفت. این است فرعون و تمامی انبوه او، می‌فرماید خداوند یهوه. حزقیال ۳۱:۱۶-۱۸.

در نبوت فصل سی‌ودوم بر ضد مصر، آیات پایانی آنچه را در فصل سی‌ویکم آمده است تکرار کرده و بسط می‌دهد، و دربردارنده بیانی پایانی موازی نیز هست.

زیرا من هراس خود را در سرزمین زندگان افکنده‌ام؛ و او در میان نامختونان، با آنان که به شمشیر کشته شده‌اند، نهاده خواهد شد، یعنی فرعون و تمامی انبوه او، می‌گوید خداوند یهوه. حزقیال

فصل بیست و نہم و ہفدہ سال آن

تاریخ ہای واقع در دورہ ہفدہ سالہ ای کہ در باب بیست و نہم بازنمایی شدہ است، نبوکدنصر را در حال فتح مصر، و نیز دورہ ای چہل سالہ از ویرانی مصر، مشخص می سازد۔ عدد چہل بیانگر بیابان است و نمونہ ای از ہزار سالی را مجسم می سازد کہ در آن زمین ویران است۔

«میں نے زمین کو دیکھا، اور دیکھو، وہ بے ہیئت اور سنسان تھی؛ اور آسمانوں کو، اور ان میں کوئی نور نہ تھا۔ میں نے پہاڑوں کو دیکھا، اور دیکھو، وہ لرز رہے تھے، اور سب ٹیلے ہلکے ہلکے جنبش کر رہے تھے۔ میں نے دیکھا، اور دیکھو، وہاں کوئی انسان نہ تھا، اور آسمان کے سب پرندے اڑ گئے تھے۔ میں نے دیکھا، اور دیکھو، زرخیز مقام بیابان بن گیا تھا، اور اس کے سب شہر خداوند کے حضور سے اور اس کے سخت غضب کے سبب ڈھا دیے گئے تھے۔ کیونکہ خداوند نے یوں فرمایا ہے، ساری سرزمین ویران ہو جائے گی؛ تو بھی میں اس کا بالکل خاتمہ نہ کروں گا۔» یرمیاہ 23:4-27

در پایان چہل سال ویرانی مصر در حزقیال بیست و نہم، رستاخیز نہایی شیران و نابودی نہایی ایشان مطرح می گردد۔

ترس، و گودال، و دام، بر توسست، ای ساکن زمین۔ و واقع خواهد شد کہ ہر کہ از آواز ترس بگریزد، در گودال خواهد افتاد؛ و ہر کہ از میان گودال برآید، در دام گرفتار خواهد شد؛ زیرا روزنہ های از اعلی گشودہ شدہ است، و بنیادہای زمین بہ لرزہ درآمدہ اند۔ زمین بہ کلی شکستہ شدہ است، زمین تماماً از ہم گسستہ است، زمین بہ شدت متزلزل گردیدہ است۔ زمین چون مستان سخت بہ این سو و آن سو خواهد تلوتلو خورد، و مانند کلبہ ای جابہ جا خواهد شد؛ و عصیان آن بر آن سنگین خواهد بود؛ و سقوط خواهد کرد و دیگر بر نخواہد خاست۔ و در آن روز واقع خواهد شد کہ خداوند لشکر بلندمرتبان اعلی را در اعلی، و پادشاہان زمین را بر زمین، مجازات خواهد کرد۔ و ایشان با ہم گرد آورده خواهند شد، چنان کہ زندانیان را در گودال گرد می آورند، و در زندان محبوس خواهند شد، و پس از روزہای بسیار از ایشان بازخواست خواهد شد۔ اشعیا 24:17-22

پیامی کہ حزقیال بہ واسطہ شش تاریخی کہ با مصر مرتبط اند یک جا گرد می آورد، نابودی نہایی قدرت اژدہایی زمینی را مشخص می سازد؛ نابودی ای کہ از قانون یک شنبہ ای قریب الوقوع آغاز می شود و تا نابودی نہایی مصریان شریر در پایان ہزارہ ادامہ می یابد۔

در شہادت نبوی، وحش و نبی کذاب در دریاچہ آتش، کہ نمایانگر بازگشت دوم مسیح است، بہ پایان خود می رسند؛ اما نابودی قدرت اژدہا در دریاچہ آتش در پایان ہزارہ روی می دہد۔

اور وہ حیوان پکڑا گیا، اور اس کے ساتھ وہ جھوٹا نبی بھی، جس نے اس کے سامنے معجزے دکھائے تھے، جن کے ذریعے اس نے ان لوگوں کو فریب دیا جنہوں نے حیوان کا نشان قبول کیا تھا اور ان کو بھی جو اس کے بت کی پرستش کرتے تھے۔ یہ دونوں زندہ ہی گندھک سے جلتی ہوئی آگ کی چھیل میں ڈال دیے گئے۔ اور باقی لوگ اس کے تلوار سے مارے گئے جو گھوڑے پر سوار تھا، اور وہ تلوار اس کے منہ سے نکلتی تھی؛ اور ہوا کے سب پرندے ان کے گوشت سے آسودہ ہو گئے۔ مکاشفہ 19:20، 21

جانور اور جھوٹا نبی نبوتی طور پر مسیح کی دوسری آمد پر اپنے انجام کو پہنچتے ہیں، لیکن اژدہا اپنا مقدر ایک ہزار سال بعد مسیح کی تیسری آمد پر پاتا ہے۔

اور میں نے ایک فرشتہ کو آسمان سے اترتے دیکھا، جس کے ہاتھ میں اتھارہ گڑھے کی کنجی اور ایک بڑی زنجیر تھی۔ اور اس نے اژدہا کو، یعنی اس پرانے سانپ کو، جو ابلیس اور شیطان ہے، پکڑ لیا اور اسے ایک ہزار برس کے لیے باندھ دیا، اور اسے اتھارہ گڑھے میں ڈال دیا، اور اسے بند کر دیا، اور اس پر

مهر کر دی، تاکہ وہ قوموں کو پھر نہ بہکائے، جب تک کہ وہ ایک ہزار برس پورے نہ ہو جائیں؛ اور اس کے بعد ضروری ہے کہ وہ تھوڑے عرصہ کے لیے چھوڑ دیا جائے۔ مکاشفہ 20:1-3۔

سال‌های یازدهم و دوازدهم

دورهٔ «هفده ساله» ای که در دو تاریخ حزقیال بیست و نهم بیان شده است، در سال دهم اسارت آغاز شد و در سال بیست و هفتم پایان یافت. پیام‌های فصل سی و سی و یکم در سال یازدهم بیان گردیدند، و دو تاریخی که در فصل سی و دوم آمده‌اند، در سال دوازدهم اسارت داده شدند. دوره هفده ساله‌ای که از سال دهم آغاز شد، تقریباً هم‌زمان با آغاز محاصره اورشلیم، و پس از آن دو پیام مصری سال یازدهم که در فصل‌های سی و سی و یکم آمده‌اند، مطرح گردید. این دو پیام سال یازدهم، با هم، نمایانگر پیامی درست پیش از قانون یکشنبه هستند. آن دو پیام دیگر مصری سال دوازدهم، در زمان نابودی اورشلیم در 586/585 پیش از میلاد، یا اندکی پس از آن، واقع شدند.

پیام آمدن مسیح به عنوان بخشی از پیام فریاد نیمه شب اعلام می‌شود؛ پیامی که در هنگام قانون یکشنبه به پیام فریاد بلند تبدیل می‌گردد. دو پیام درباره مصر پیش از قانون یکشنبه اعلام می‌شود، و دو پیام درباره مصر در هنگام قانون یکشنبه یا اندکی پس از آن اعلام می‌گردد. دوچندان شدن پیام‌هایی که در همان سال، در طول محاصره‌ای که به ویرانی اورشلیم منتهی می‌شود، داده می‌شوند، و آن دو پیام دیگر در هنگام قانون یکشنبه، نمونه پیام فرشته دوم است، جایی که همواره دوچندانی وجود دارد.

پیام دوم همواره با پیام سوم دنبال می‌شود.

«با قلم و صدا باید این اعلام را طنین‌انداز سازیم، و ترتیب آنها و نیز کاربرد نبوت‌هایی را که ما را به پیام فرشته سوم می‌رسانند، نشان دهیم. فرشته سوم بدون فرشته اول و دوم نمی‌تواند وجود داشته باشد. این پیام‌ها را باید به وسیله نشریات و در خطابه‌ها به جهان برسانیم، و در امتداد تاریخ نبوی، اموری را که بوده‌اند و اموری را که خواهند بود، نشان دهیم.» Selected Messages, book 2, 104, 105

در پیام سوم، در فرصت توبه بسته می‌شود. فرصت توبه برای ایالات متحده در زمان قانون یکشنبه بسته می‌شود، و فرصت توبه برای جهان هنگامی بسته می‌شود که میکائیل برخیزد. هر دو در بسته نمایانگر پیام سوم هستند که همواره پس از پیام دوم می‌آید؛ پیامی که خود همواره پیامی دوگانه است.

توانمندسازی فرشته دوم هنگامی به انجام می‌رسد که پیام ندای نیمه شب به آن بپیوندد. این دو پیامی که بر بشر اعلام شده‌اند، چنان‌که با اعلام‌های حزقیال بر مصر در باب‌های سی و سی و یک نمود یافته‌اند، مشخص می‌کنند که پیام ندای نیمه شب در چه هنگام به فرشته دوم می‌پیوندد؛ و دو پیام باب سی و دو، توانمندسازی فرشته سوم را در فریاد بلند مشخص می‌سازند.

چرخ‌های حزقیال در تعامل پیچیده رویدادهای انسانی، آخرین هشدار برای بشریت را شناسایی می‌کند؛ هشدار که همان هشدار فرشته سوم است، و فرشته سوم از هشدارهای فرشته اول و دوم تشکیل شده است. ندای نیمه شب پیش از قانون یکشنبه و فریاد بلند پس از قانون یکشنبه، به وسیله چهار تاریخ حزقیال بازنمایی می‌شود که در درون هفده سال تاریخ‌های آلفا و امگای فصل بیست و نهم قرار می‌گیرند؛ تاریخ‌هایی که با تاریخ پنهان دانیال یازده آیه چهل همسو هستند، چنان‌که در آیات یازده تا شانزده همان فصل بازنمایی شده است.

در فصل دهم دانیال، دانیال، همانند حزقیال، لال گردانیده می‌شود. لالی دانیال در میان سه لمس پدید می‌آید؛ لمس نخست و سوم از فرشته جبرائیل بود و لمس میانی، لمس مسیح بود. دانیال، همانند پطرس در فاصله میان قیصریه فیلیپی و صلیب، در میانه قرار دارد. در میانه، پطرس مسیح جلال‌یافته را دید، چنان‌که دانیال نیز در فصل دهم دید. میانه آن سه فرشته، پیام دوم است، که ترکیبی از دو پیام می‌باشد.

پنجمین روز از ماه چهارم و ۱۸۴۴

در حزقیال باب یک، آیات یک و دو، حزقیال در روز پنجم ماه چهارم قرار دارد که با میانه حرکت ماه هفتم در سال ۱۸۴۴ منطبق است. حزقیال در میانه فاصله میان ۱۹ آوریل و ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ قرار دارد، همان‌گونه که ساموئل اسنو، پیام‌آور ندای نیمه‌شب در ۱۸۴۴، نیز چنین بود، هنگامی که نخستین درک روشن خود از این پیام را در بوستون ارائه کرد، ۹۳ روز پس از ۱۹ آوریل و ۹۳ روز پیش از آنکه در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ در بسته شود. ساموئل اسنو در ۲۱ ژوئیه ۱۸۴۴ در بوستون بود، در میانه حرکت ماه هفتم، بی‌آنکه بداند از لحاظ نبوی همراه با پطرس بر کوه تجلی، با حزقیال در سال سی‌ام هفدهمین چرخه یوبیل، و با دومین لمس دانیال در رؤیای آینه‌وار باب ده ایستاده بود. سال ۲۰۲۶ نمایانگر چهل‌وهفتمین سال هفتادمین چرخه یوبیل است که در ۲۰۲۸ به پایان می‌رسد.

صور

پیش از آن‌که به تاریخ‌گذاری شش اشاره حزقیال به اورشلیم بازگردیم، نخست باید آن تاریخ واحدی را که بر ضد صور اعلام شده بود، مشخص کنیم.

و در سال یازدهم، در روز نخست ماه، کلام خداوند بر من نازل شد که: «ای پسر انسان، چون صور بر ضد اورشلیم گفته است: هان، آن که دروازه‌های قوم‌ها بود، شکسته شد؛ به سوی من بازگشته است؛ اکنون که او ویران شده است، من پر خواهم شد؛ بنابراین خداوندگار یهوه چنین می‌فرماید: اینک من بر ضد تو هستم، ای صور، و قوم‌های بسیار را بر تو برخوایم انگیخت، چنان‌که دریا موج‌های خود را برمی‌آورد. و ایشان دیوارهای صور را ویران خواهند کرد و برج‌هایش را فرو خواهند ریخت؛ و من غبارش را نیز از رویش خواهم سترد و او را همچون برهنه‌سنگی خواهم ساخت. او در میان دریا جای گستردن تورها خواهد بود، زیرا من این را گفته‌ام، خداوندگار یهوه می‌فرماید؛ و او غنیمتی برای قوم‌ها خواهد شد. و دخترانش که در صحرا هستند، به شمشیر کشته خواهند شد؛ و خواهند دانست که من یهوه هستم. زیرا خداوندگار یهوه چنین می‌فرماید: اینک من نبوکدرصر، پادشاه بابل، پادشاه پادشاهان را، از شمال، با اسبان، و با ارابه‌ها، و با سواران، و گروه‌ها، و قومی بسیار، بر صور خواهم آورد.»

او دخترانت را در صحرا به شمشیر خواهد کشت؛ و بر ضد تو دژی خواهد ساخت، و خاکریزی بر ضد تو برپا خواهد کرد، و سپر را بر ضد تو بلند خواهد نمود. و آلات جنگی را بر ضد دیوارهایت خواهد نهاد، و با تیرهای خود برج‌هایت را فرو خواهد ریخت. از کثرت اسبان، غبار ایشان تو را خواهد پوشانید؛ دیوارهایت از صدای سواران و از غرش چرخ‌ها و ارابه‌ها خواهد لرزید، آنگاه که او از دروازه‌هایت داخل شود، چنان‌که مردمان به شهری که در آن رخنه‌ای پدید آمده باشد داخل می‌شوند. با سم اسبان خود همه کوچ‌هایت را پایمال خواهد کرد؛ قوم تو را به شمشیر خواهد کشت، و ستون‌های استوار قوتت به زمین فرو خواهد افتاد. و ثروتت را به غارت خواهند برد، و بازرگانی‌ات را به یغما خواهند گرفت؛ و دیوارهایت را فرو خواهند ریخت، و خانه‌های دلپسندت را ویران خواهند ساخت؛ و سنگ‌ها و چوب‌ها و خاکت را به میان آب خواهند افکند. و من صدای سرودهایت را خاموش خواهم ساخت، و دیگر آوای بریط‌هایت شنیده نخواهد شد. و تو را مانند برهنه‌سنگی خواهم ساخت؛ جای گستردن تورها خواهی بود؛ دیگر بنا نخواهی شد؛ زیرا من، یهوه،

آن را گفته‌ام، فرموده خداوند یهوه.

خداوندگار خداوند صور سے یوں فرماتا ہے: کیا تیری گراوٹ کی آواز سے جزیرے نہ کانپ اٹھیں گے، جب زخمی فریاد کریں، جب تیرے بیچ میں قتل عام ہو؟ تب سمندر کے سب رئیس اپنے تختوں سے اتر آئیں گے، اور اپنی قبائیں اتار رکھیں گے، اور اپنے کڑھے ہوئے لباس اتار دیں گے؛ وہ لرزہ اوڑھیں گے؛ وہ زمین پر بیٹھیں گے، اور ہر لمحہ کانپیں گے، اور تجھ پر حیران ہوں گے۔ اور وہ تیرے لیے نوحہ کریں گے، اور تجھ سے کہیں گے، تو کیسے برباد ہو گئی، اے وہ جو جہاز رانوں سے آباد تھی، اے نامور شہر، جو سمندر میں زور آور تھی، وہ اور اس کے باشندے، جو اپنے بول سے ان سب پر دہشت طاری کرتے تھے جو اس میں ریتے تھے! اب تیرے زوال کے دن جزیرے کانپیں گے؛ ہاں، وہ جزیرے جو سمندر میں ہیں، تیری روانگی سے مضطرب ہوں گے۔ کیونکہ خداوندگار خداوند یوں فرماتا ہے: جب میں تجھے ایک ویران شہر بنا دوں گا، اُن شہروں کی مانند جو آباد نہیں؛ جب میں تجھے پر گہراؤ کو چڑھا لاؤں گا، اور بڑی پڑی پانی کی موجیں تجھے ڈھانپ لیں گی؛ جب میں تجھے اُن کے ساتھ نیچے اتاروں گا جو گڑھے میں اُترتے ہیں، قدیم زمانہ کے لوگوں کے ساتھ، اور تجھے زمین کے نشیبی حصوں میں، اُن جگہوں میں جو قدیم سے ویران ہیں، اُن کے ساتھ جو گڑھے میں اُترتے ہیں، تاکہ تو پھر آباد نہ ہو؛ اور میں زندوں کی سرزمین میں جلال قائم کروں گا؛ میں تجھے دہشت بنا دوں گا، اور تو پھر نہ رہے گی؛ اگرچہ تجھے ڈھونڈا جائے، تو بھی تو پھر کبھی نہ ملے گی، خداوندگار خداوند فرماتا ہے۔ حزقی ایل 21:26-21.

پیام صور در سالی اعلام شد که اورشلیم ویران گردید، و این پیام نمایانگر سرنگونی ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس در قانون یکشنبه‌ای نزدیک الوقوع است. در هنگام قانون یکشنبه، ایالات متحده آمریکا (صور) از نظر نبوی شادی می‌کند، زیرا اورشلیم را سرنگون ساخته است؛ اورشلیمی که خواهر وایت آن را کلیسای لاودیکیه‌ای ادونتیسٹ روز هفتم معرفی می‌کند، و حزقیال آن را «دروازه‌های قوم» می‌نامد. صور تصریح می‌کند که اورشلیم «بود» دروازه‌های قوم، به صیغه زمان گذشته. «دروازه» از نظر نبوی یک کلیسا است.

اور وہ ڈر گیا اور بولا، یہ جگہ کیسی ہیبت ناک ہے! یہ خدا کے گھر کے سوا اور کچھ نہیں، اور یہی آسمان کا دروازہ ہے۔ اور یعقوب صبح سویرے اٹھا، اور اُس پتھر کو جسے اُس نے اپنے سر ہانے رکھا تھا، لے کر ستون کی صورت میں قائم کیا، اور اُس کے سرے پر تیل انڈیلا۔ اور اُس نے اُس جگہ کا نام بیت ایل رکھا؛ لیکن پہلے اُس شہر کا نام لوز تھا۔ پیدایش 19:28-17.

واژه «بیت‌ئیل» به معنای خانه خداست، و صور شادمان است که کلیسای لاودیکیه‌ای ادونتیسٹ روز هفتم را وادار کرده است تا اجرای اجباری پرستش خورشید را بپذیرد. اما با وجود این شادمانی گمراهانه کسانی که پرستش خورشید را به اجرا درمی‌آورند، خداوند از طریق حزقیال اعلام می‌دارد که: «ای صور، اینک من بر ضد تو هستم، و امت‌های بسیار را بر تو برخوادم انگیخت، چنان‌که دریا امواج خود را برمی‌انگیزد. و ایشان حصارهای صور را منهدم خواهند کرد، و برج‌هایش را فرو خواهند ریخت.»

“دیوارهای صور” نمایانگر حفاظت صور هستند. “دیوار” نماد ده فرمان است.

«نبی در اینجا قومی را توصیف می‌کند که در زمانه‌ای از انحراف عمومی از حقیقت و پارسایی، در پی احیای اصولی هستند که بنیاد پادشاهی خدا را تشکیل می‌دهد. آنان مرمت‌کنندگان شکافی هستند که در شریعت خدا پدید آمده است—دیواری که او برای حفاظت برگزیدگان خویش پیرامون آنان قرار داده، و اطاعت از احکام عدالت، حقیقت، و طهارت آن، پاسدار همیشگی ایشان خواهد بود.» انبیا و پادشاهان، 677.

شریعت خدا دیوار حفاظت است، اما «دیوارها» به صورت جمع، نمایانگر آن دو اصلی است که صور را—به عنوان نماد شاخ جمهوری خواه ایالات متحده—«محفوظ» داشت و مایه کامیابی و موفقیت آن شد.

«او دو شاخ مانند بره داشت.» شاخ‌های بره‌گون بر جوانی، معصومیت و ملایمت دلالت دارند و به درستی نمایانگر خصلت ایالات متحده‌اند، آنگاه که در سال 1798 به نبی به صورت «برآمدن» عرضه شد. در میان تبعیدیان مسیحی که نخست به آمریکا گریختند و در پی پناهگاهی از ستم شاهان و تعصب کشیشان بودند، بسیاری بودند که عزم کردند حکومتی را بر بنیاد گسترده آزادی مدنی و دینی برپا سازند. دیدگاه‌های ایشان در اعلامیه استقلال جای یافت؛ اعلامیه‌ای که آن حقیقت عظیم را بیان می‌کند که «همه انسان‌ها برابر آفریده شده‌اند» و به حق سلب ناشدنی «حیات، آزادی و طلب سعادت» موهبت یافته‌اند. و قانون اساسی، حق خودحکومتی را برای مردم تضمین می‌کند و مقرر می‌دارد که نمایندگانی که با رأی مردم برگزیده می‌شوند، قوانین را وضع و اجرا کنند. آزادی ایمان دینی نیز اعطا شد، به گونه‌ای که هر کس مجاز باشد خدا را مطابق حکم وجدان خویش عبادت کند. جمهوری خواهی و پروتستانیسم به اصول بنیادی این ملت بدل شدند. این اصول راز قدرت و شکوفایی آن‌اند. ستم‌دیدگان و پایمال‌شدگان در سراسر عالم مسیحیت با علاقه و امید به این سرزمین روی آورده‌اند. میلیون‌ها تن در پی رسیدن به سواحل آن بوده‌اند، و ایالات متحده به جایگاهی در میان نیرومندترین ملت‌های زمین برخاسته است. ...

شاخ‌های بره‌مانند و صدای اژدهاگون این نماد، به تناقضی چشمگیر میان اظهارهای این ملت بدین سان نمایانده شده و کردار آن اشاره دارد. «سخن گفتن» این ملت، همان عمل مقامات قانون‌گذاری و قضایی آن است. این ملت به واسطه چنین عملی، اصول آزادی‌خواهانه و صلح‌جویانه‌ای را که به عنوان بنیاد سیاست خود مطرح ساخته است، دروغ خواهد شمرد. پیشگویی اینکه «چون اژدها سخن خواهد گفت» و «تمام قدرت وحش اول را» به کار خواهد بست، آشکارا از تکوین روح نابردباری و آزار و جفا خبر می‌دهد؛ همان روحی که در ملت‌هایی که به وسیله اژدها و وحش پلنگ‌مانند نمایانده شده‌اند، آشکار گردید. و این بیان که وحش دوشاخ «زمین و ساکنان آن را وامی‌دارد که وحش اول را پرستش کنند» نشان می‌دهد که اقتدار این ملت در جهت تحمیل نوعی رعایت و مراسم به کار گرفته خواهد شد که عملی از ادای احترام به پاپیت خواهد بود.

«چنین اقدامی آشکارا در تضاد مستقیم با اصول این حکومت، با سرشت نهادهای آزاد آن، با تصریحات صریح و خطیر اعلامیه استقلال، و با قانون اساسی خواهد بود. بنیان‌گذاران این ملت، با حکمت، کوشیدند از به‌کارگیری قدرت دنیوی از سوی کلیسا جلوگیری کنند؛ امری که نتیجه ناگزیر آن، تعصب ناروا و آزار و جفا است. قانون اساسی مقرر می‌دارد که «کنگره نباید قانونی درباره تأسیس دینی وضع کند، یا آزادی اجرای آن را منع نماید»، و نیز اینکه «هیچ آزمون دینی هرگز نباید به عنوان شرط احراز هیچ منصب یا امانت عمومی تحت ایالات متحده آمریکا لازم شمرده شود.» تنها با نقض فاحش این تضمین‌های آزادی ملت است که هرگونه مراسم دینی می‌تواند به وسیله اقتدار مدنی تحمیل شود. اما ناسازگاری چنین اقدامی بیش از آنچه در آن نماد تصویر شده است، نیست. آن وحشی است با شاخ‌هایی همچون بره—که در اظهار، پاک، ملایم، و بی‌آزار است—اما همچون اژدها سخن می‌گوید.» نبرد عظیم، 441، 442.

بنیاد ایالات متحده به وسیله اعلامیه استقلال و قانون اساسی نمایانده می‌شود که به ترتیب نماینده پروتستانیسم و جمهوری خواهی هستند. «دیوارهای» حفاظت و رفاه عبارت‌اند از جمهوری خواهی و پروتستانیسم، و در هنگام قانون یکشنبه اصول هر دو، یعنی هم اعلامیه استقلال و هم قانون اساسی، واژگون می‌گردند؛ زیرا نبودن‌کنصر «منجیق‌های جنگ را بر ضد دیوارهایت برپا خواهد کرد، و با تبرهای خود برج‌هایت را فرو خواهد ریخت.»

در هنگام قانون یکشنبه، همه «برج‌ها» فرو ریخته می‌شوند، و برج نمادِ کلیسایی است که فلسفهٔ بنیادین آن با تلاش انسان برای نجاتِ خویشتن نمایان می‌گردد. دربارهٔ نمرود، آن یاغی بزرگ، و برج او، در Prophets and Kings به ما چنین اطلاع داده شده است: «هنگامی که برج تا اندازه‌ای تکمیل شده بود، بخشی از آن به عنوان محل سکونتِ بناکنندگان اشغال شد؛ و حجره‌های دیگر، که به طرزی باشکوه آراسته و مزین شده بودند، به بت‌های ایشان اختصاص یافتند. قوم در کامیابی خود شادی کردند، خدایان نقره و طلا را ستودند، و خویشتن را در برابر فرمانروای آسمان و زمین قرار دادند.» در هنگام قانون یکشنبه، صور از سرنگونی اورشلیم شادمانی می‌کند، اما ارتدادِ ملی با ویرانی ملی دنبال می‌شود، و آنگاه پادشاهِ شمال دیوارها و برج‌های ایالات متحده را سرنگون خواهد ساخت.

در نوشتار بعدی، به بررسی شش تاریخ اورشلیم در کتاب حزقیال خواهیم پرداخت.